



<http://www.arianafghanistan.com>

عنوان مضمون: ضرورت تجدید نظر بر خط دیورند

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 24.06.2017

از هویت نه می توان ایدئولوژی ساخت"

ذاتی سازی هویت ها یک خطای فاحش فکری است.

تاریخ های بدیل، که از طریق "مستثنی ساختن" ها مستدل ساخته می شوند (مثلاً مستثنی ساختن های قومی) دیگر "اعتبار ندارند."

An excellent thought provoking solid statements by Sayed Hamidullah Roogh TO BE WISHED for, but unfortunately in Afghanistan a tiny minority group applying their " identity as ideology" generations long which is still enforce. In fact " Birth-Right-identity = zati sazi hoyat " of the same specific group in Afghanistan ARE THE ONLY guarantee factor for entitlement to their privileges. Extra-privileges' that come with such " Exceptionality = mustasna sakhtan " for the subject group are reality in Afghanistan that come with huge consequences of societal backwardness.

The good news is that almost half of Afghans top notch intellectuals proudly connecting their own exceptionality to such less than one tenth of one percent of Afghanistan population and as a good gesture should drop their perceived genetic superiority " Sir" names as lead for others to follow. Can we do that much for Afghanistan!!!

اسم: سید حمیدالله روغ محل سکونت: المان تاریخ: 24.06.2017 «مسأله» دیورند

یک «دیو» رانده می شود
بحثی در «سرحدات(!)» افغانستان

بخش دوم

«خط» دیورند «مسأله» دیورند

معضل دیورند بالای سر ما آویخته بوده است؛ دیری است که ما بطرف این معضل دست می انداخته ایم؛ و درسیر این همه ماجرا، مشکل ما تنها این نبوده است که ما نه دسترس داشته ایم؛ و نه فریادرس؛ مشکل ما این هم بوده است که کوشش های خود ما هم بسیار مندرس بوده اند، چنان که گویی در خاک نه نوشته باشیم، در رس نارس نوشته باشیم :

سَمال که « بلوای میسوط (!!!) » می کنیم!

ما «دیورند» را چگونه می فهمیده ایم؟ چیزی که بالاتر دیورند از ما ربوده شده است، کدام چیز بوده است؟ اگر «خط» دیورند و «مسأله» دیورند را در متن یک منظومه بالاتر کنونی مطرح کنیم، آیا می توانیم نتایج نو را مُشرَح کنیم؟ اول «خط» دیورند

دوره استعماری برای ما تبعات متعدد داشته و یکی از این تبعات، جنجال «دیورند» بوده است. سوال این است که اگر دیورند صرفاً یک «خط» بوده است، پس در طی 125 سالی که از گفتمان دیورند سپری شده است، این همه قبض و بسط متواتر «دیورند» از کجا می آمده است؟ این سوال با استنباط ما از «استعمار» و «پسااستعمار» درهم پیچیده می شود؛ و این همه نوشته های جاهد ما که به این موضوع عطف شده اند و این که این نوشته ها چگونه به این موضوع عطف شده اند، همه شاهد این بوده اند، که ما "هی میدان وطنی میدان"، از همان «بلوای میسوط (!!!)» به لوای مضبوط هم نه رسیده ایم؛

وقت آن است که با وضاحت گپ بزنیم.

مباحثی که ما درباره معضل دیورند گشوده ایم یک محک است نه درباره این که ما چگونه می اندیشیده ایم؛ بل درباره این که ما آیا می اندیشیده ایم؟ ما..... ادامه دارد

لینک مرتبط...

اسم: عارف عباسی محل سکونت: کلیفورنیا تاریخ: 10.06.2017

سخت متأثر، مأیوس و متعجبیم که در این مبحث خاص که نه تنها گذشته افغانستان در آن تاب خورده بلکه حال و مستقبل افغانستان با جمیع حوادث، وقایع و گزارشات کنونی به آن پیچیده، بحران عظیم بی ثباتی و نا امنی حاکم که با تمام عوامل عیان و پنهان آن درب هر نوع بهبود و تحول را به روی افغانستان بسته، مخصوصاً که فعالیت سیاسی به نام جرگه دیورند در جریان است. تا حال در ظرف چندین سال مقالات و مضامین متعددی در زمینه ارقام گردیده، چرا در مورد این اظهار نظر یک شخص مهم (معاون) پارلمان اروپا که توسط جناب محترم جلیل غنی هروی چه عالی ترجمه شده و در این بخش برای ارائه نظریات گذاشته شده چنین بی اعتنائی و تغافل دیده می شود. ما از جلسات متعدد در اروپا و امریکا و برنامه های منظم تلویزیونی از یک فعالیت سیاسی تحت نام «جرگه دیورند» می شنویم از فعالین این جریان توقع می رود که که قبول زحمت فرموده به حرمت این داعیه ملی به سوالات آتی در همین صفحه جواب ارائه نمایند:

اول- آیا این فعالیت صرف یک شعار، یک ادعا، یک خواست و یک آرزومندی است و یا رهکرد مشخص سیاسی با در نظر داشت عوامل ذیدخل قضیه دارد؟

دوم- رهکرد سیاسی بر بنیاد اتخاذ تصمیم عملی چیست؟

سوم- جرگه در این مورد چه نوع اقدامات عملی را برای دولت افغانستان، قوای اجرائیه و مقننه پیشنهاد می نماید.

چهارم- آیا جرگه بنابر واقعیت های عینی و نقش اساسی مردم با احزاب سیاسی، سران قومی و علمای دینی پشتون های آن سوی خط دیورند تماس گرفته و ارتباطی قائم نموده؟

آیا صرف ادعای مبنی بر نشناختن رسمی خط تحمیلی دیورند از طرف افغانستان مشکل را حل می سازد.

نقشه سیاسی افغانستان که در دیوار دفتر رئیس جمهور افغانستان، اراکین دولت و مؤسسات دولتی نصب است همین خط بحیث سرحد مملکتین ترسیم شده، تهنه های امنیتی سرحدی و برج های ترصد بالای همین خط اعمار شده.

پس راه حل این مشکل و برداشتن این غده سرطانی از بدن خون آلود افغانستان چیست.

پیشنهاد می کنم که این موضوع بنابر اهمیت ملی و سیاسی آن برای مدتی از صفحه برداشته نشود که اگر توجه خبرگان سیاسی را جلب نموده به یک مباحثه همگانی تبدیل شده **Public Debate** نظریات نخبه و عملی تبارز کند.

اسم: **محمد نعیم بارز محل سکونت: پاریس تاریخ: 02.06.2017**
نویسندگان محترم و مدعیانی در دفاع از منافع ملی!

چرا چشم ها و قلم های تان را بسته اید و نمی بینید که بعد از سال ها یک شخصی از یک مرجع رسمی یعنی معاون رئیس بخش اروپا از خط تحمیلی بنام (خط مرزی دیورند) در دفاع از حق ارضی افغانستان که سال ها حکومت های پاکستان آن را در تسلط خود نگاه داشته اند، سخن گفته و به جا هم گفته، پس شما چرا چیزی نمی گوید؟

آیا این مسأله یک عامل اساسی اختلاف بین افغانستان و پاکستان نیست؟

آیا یک عامل شرارت و جنایات پاکستان علیه مردم افغانستان از همین بابت نیست؟

آیا پاکستان از ظرفیت های مادی چون معادن و آب های فراوان و غیره که در توسعه و رشد سریع اقتصاد افغانستان نقش دارد به هراس نیست، بخصوص که پس از گذشت سال های زیاد از چند سالی بدین سو مورد توجه جهانیان قرار گرفته است و موضوعات بسیار مهم دیگر؟

بنابراین آیا این مسأله ارزش یک سطر ابراز نظر شما را ندارد؟

افلاً بگویند دلیل چشم پوشی و بستن قلم های تان در این مورد چیست؟

اسم: **عارف عباسی محل سکونت: ایالات متحده امریکا تاریخ: 01.06.2017**
خط تحمیلی و استعماری دیورند!

بخش دوم

۶ - ممالک اسلامی:

موقف عربستان سعودی در مضمون بی نهایت عالی، پر محتوی و ارزنده دانشمند محترم جلیل غنی هروی در مورد کنفرانس ریاض روشن گردید که دار السلطنه سعودی با گذشته و سوابق خود مبرهن این که کدام قدرت آنها را روی کدام مقاصد بر اریکه قدرت تکیه داد و متولی دو مکان مقدس اسلام گردانید، نه تنها دوست و حامی پاکستان اند بلکه خود دهشت افکن و دهشت پرور بوده مرا در اسلامیت شان شک است که چگونه جیونانه، ذلیلانه، و بی عزت و بی کرامت در پای داندل ترمپ خمیده و از کسی پذیرایی شاندار بعمل آوردند که از اعماق قلب

خصوصت با اسلام، طرز دید و تفکرش بوده و اسلام کوبی و اسلام ستیزی اش قید اسناد است. در پایش ۳۵۰ بلیون دالر عواید تیل و حج را ریختند. (با چنین مبلغ ملیون ها مسلمان از فقر و بینوایی در افریقا و آسیا و شرق میانه رهایی می یافتند) در حالی نزد خودشان اشتر و باز

شکاری شان محترم تر و معزز تر از زن است، ۱۰۰ ملیون دالر را برای ایوانکا رو نمایی داده و در نهضت بهتری حال زن سهیم شدند و در پای قرار دادی صحه گذاشتند که به تجهیزات مندرج آن قطعاً ضرورت نداشته و توان استفاده آن را نداشتند طوری که صدام حسین قدرت

اسلحوی و جنگی شان را در حمله بر کویت در آزمون کشید. کدام های شان از خریداری های قبلی را که موریانه خورده و استفاده نشده پر است. این سلطنت نه تنها ملت سعودی را گروگان گرفته بلکه جمیع ملل ممالک خلیج در اسارت شان است.

لینک مرتبط...

اسم: **A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 31.05.2017**

In regard to Durand Line, here are a few thoughts:

Let me throw the bad news first stating that due to weak based varied governments of Afghanistan, vital mistakes of leadership around Durand Line, clever play politics of Pakistan government, Policies of powerful international entities that count related to the subject line and deviation of mass thinking in Afghanistan and other side of Durand Line from national patriotism to fundamentalism are all combined harbinger that the cause of Durand Line will remain the de-facto decision for

Pakistan to make as it currently wish. A chance of gaining independence was lost when Khan Abdul Ghafar Khan made a vital mistake of following footsteps of Mr. Gandhi's " non-violent " way of struggle in British India. Mr. Gandhi had almost one hundred percent of population behind him and as such non-violent way of struggle was a perfect guideline that brought success. The " Border Gandhi " taking the same rout while Pashtuns were less than six percent of the then Indian population were made to be failure. Minority " non-violent " way of struggle almost never succeed.

The good news for the cause of Durand Line may be hidden within foundation and structure of Pakistan itself, as she struggle to exist as founded - one of the two in the whole planet - that come with the huge consequence of destabilizing and fracturing India. Such narrow pattern of Pakistan existence challenging legitimacy and stability of much larger India that base itself on broader multi religion and cultural society will be ultimately too expensive and bloody to function long term. The moment Pakistan's benefactors come to the conclusion that keeping Pakistan afloat as-is will cost them more than benefit received, the balance of power will shift heavily towards India. And then an outcome similar to Bangladesh will be un-avoidable resulting to settle the Durand Line cause in favor of the rightful owner.

اسم: عارف عباسی محل سکونت: ایالات متحده امریکا تاریخ: 30.05.2017
خط تحمیلی و استعماری دیورند!

بخش اول

در رابطه به ترجمه عالی سلیس و نغز دانشمند محترم نویسنده چیره دست آقای جلیل غنی هروی از مقاله «رچارد چارنیک» معاون پارلمان اتحادیه اروپایی که به تاریخ ۱۸ ماه می ۲۰۱۷ زینت بخش سایت ملی و وزین آریانا افغانستان آنلاین گردید. بالآخره صدایی از مهد استعمار برخاست که با احساس ملت افغانستان که بیش از یک قرن رنج تاراج خاک خود را کشیده اند پیوند خورده. این غصب جابرانه و جنایتکارانه استعمار زخم خون چکانی در قلب هر وطن پرست افغان بجا گذاشته، خاکش به زور گرفته شده و از برادر و هم وطنش ظالمانه جدا شده است. این صدای یک ژورنالیست و یا تبصره یک رسانه نیست بلکه این تحلیل و ارزیابی شخصیتی است که از یک مقام معتبر و با صلاحیت اروپا، «رچارد چارنیک» معاون پارلمان اتحادیه اروپایی چنین اظهار نظر می کند، او بحیث یک انسان واقع بین و دراک سیاسی از یک موقف قوی در کنه یک معضله وخیم جهانی تماس گرفته بیخ و بن و منشأ دهشت افگنی را با خطرات منطقی و جهانی آن ریشه یابی واقع بینانه نموده و در لابلای یافتن عامل بنیادی، پیشنهاد چاره جویی عملی را برای رهایی عالم بشریت از یک خطر گسترده ضد تمدن و معرفت می نماید که با ریختن خون و ویرانی آمیخته است.

لینک مرتبط...

اسم: نعیم بارز محل سکونت: فرانسه تاریخ: 27.05.2017
دشمنی پاکستان با افغانستان حتی،
با رسمیت بخشیدن خط دیورند پایان نمی یابد!

نوشته ارزنده و واقع بینانه تاریخی ریچارد چارنیک معاون رئیس پارلمان اروپا و ترجمه زیبای محترم آقای غنی هروی، مرا بیاد هشت سال قبل انداخت که عده ای از افغان های محترم آگاهانه و یا نا خود آگاه عامل اساسی جنگ افروزی های دولت پاکستان در افغانستان را ناشی از عدم شناخت خط دیورند از سوی دولت افغانستان تلقی می نمودند، از آن میان یکی هم جناب محمد اعظم سیستانی به اصطلاح تاریخ دان بود که تحت عنوان «ما اتک می خواهیم، پاکستان متک، اما طالبان چه می خواهند؟» مطالبی نوشته بود، من در پاسخ آن به تاریخ ۱۹ جنوری ۲۰۰۸ نوشته او را با استدلال به نقد گرفتم که در سایت «افغان جرمن آنلاین» به نشر رسید و همین اکنون هم در آرشیف نویسندگان آن سایت موجود است. اکنون که موضوع یک بار دیگر و آنهم از جانب یک مرجع رسمی ولی به طور دیگری یعنی در دفاع از حقوق ارضی تاریخی افغانستان و در رابطه به ارزیابی علل جنگ و راه حل بحران افغانستان مطرح گردیده است، خواستم آن نوشته را با اضافه یگان جمله دیگر پیش کش خوانندگان محترم سایت وزین آریانا افغانستان آنلاین نمایم تا اقل این مسأله بسیار با اهمیت به بی اعتنائی تلقی نشود:

لینک مرتبط...

اسم: بی بی سی محل سکونت: لندن - انگلستان تاریخ: 27.05.2017
بی بی سی ۰۳/۰۳/۲۰۱۷

خبر ماه مارچ گذشته:

ادغام مناطق قبیله بی پاکستان بر سرنوشت خط دیورند تاثیری ندارد!

در پی تصمیم دولت پاکستان مبنی به ادغام مناطق قبیله بی با بقیه کشور، وزارت سرحدات و قبایل افغانستان می گوید که این تصمیم تاثیری بر سرنوشت "خط دیورند" نخواهد داشت.

غفور لیوال، سرپرست وزارت اقوام و قبایل افغانستان به بی بی سی گفت که سلب خودمختاری مناطق قبیله بی پاکستان بر سرنوشت "خط دیورند" تاثیری نخواهد داشت و او تأکید کرد که دولت افغانستان این خط سرحدی را به رسمیت نمی شناسد.

او همچنین افزود که دولت افغانستان از هر نوع تغییر مثبت به اساس اراده مردم مناطق قبیلیمی پاکستان، استقبال می کند. دولت پاکستان روز گذشته (پنجشنبه، ۱۲ حوت) با تصویب مجموعه ای از پیشنهادها زمینه ادغام مناطق قبیله بی با بقیه کشور را فراهم کرد. محمد نواز شریف، نخست وزیر پاکستان، توسعه مناطق قبیله بی را "مسئولیت جمعی" دولت و ایالت های پاکستان دانسته است. رهبران مناطق قبیله بی از پیشنهاد های دولت استقبال کرده اند.

دولت افغانستان مرز مشترک بین این کشور و پاکستان را که حدود ۲۴۰۰ کیلو متر طول دارد، به رسمیت نمی شناسد و مدعی است که معاهده ای که در این مورد در سال ۱۸۹۳ میلادی بین امیر عبدالرحمن خان پادشاه وقت افغانستان و سر مور تیمور دیورند، وزیر خارجه وقت

هند بریتانوی امضا شده، اعتبار ندارد.
اما دولت پاکستان و جامعه بین‌المللی این سرحد را به عنوان سرحد بین‌المللی بین دو کشور به رسمیت می‌شناسند.

اسم: غ. حضرت محل سکونت: سویدن تاریخ: 24.05.2017
با عرض سلام و ادب.

یک کمی جای تعجب است که بسیاری از خوانندگان عزیز در قبال این مسئله جالب و مهم، گوشه نشینی اختیار نموده، فکر می‌کنم شرکت ورزیدن در این گونه بحث‌ها بر غنا و تورم احساسات ملی ما می‌افزاید.

بهر حال عرض شود که بنده از این مسئله هیچ ترس ندارم که گویا یک کسی با خود زمزمه کند که این حضرتک مثل مگس بر فضای هر بشقاب فالوده و مالیده به پرواز در می‌آید، البته من مگس نیستم بلکه یک ماهی ام که آب زلال را دوست دارم و می‌خواهم در آن شنا کنم چه به پیمانۀ یک سطل و کاسه باشد و چه به پیمانۀ یک دریا که البته مسئول خوردن کله ام بر سنگ‌ها یا سنگریزه‌ها خودم می‌باشم.

هم نوشته جناب آقای سید حمیدالله روغ (که البته حرف "م" اسم شریف شان قربانی عجله شده و سید حیدالله نوشته شده) و هم نوشته جناب آقای داکتر رووف روشن جداً جلب توجه می‌کند.

این مسلک سیاست و سیاست بازی و سیاست کاری یک مسلک بی‌پدر و بی‌مادر می‌باشد.
اگر یک آئینۀ چند انجمنی را در مقابل این سیاست بازان قرار بدهیم با این تصویر رو به رو می‌شویم:
در کوچ و بازار و محل کار و محافل خوشی حتی مواظب توازن و فاصله بند های گیره خورده بوت های خویش می‌باشد چه برسد به تنظیم و زیبایی لباس و نیکبختی و مو و لبان و راه رفتن و غیره ولی در جبهه دیگر و در موضع دیگر، عین همین شخص در سواحل جزائر قناری به خاطر اخذ و جاذبه بهتر شعاع آفتاب لخت مادر زاد دراز کشیده. یعنی دو حرکت متفاوت و با دو حالت و دو شکل متفاوت و در دو جبهه متفاوت اما با هدف واحد.

به هر حال بنده ضمن ارج نهادن و احترام گذاشتن به احساسات پاک و وطن‌دوستانۀ این دو عزیز و سایر برادران عزیز می‌خواهم در این رابطه (اظهار نظر ریچارد چارنسکی که به گفته فال بینان قندهاری "چاک لری چالاکای نلری") دو سه سؤال بحث برانگیز مطرح کنم،

آیا ما باید به این باور نباشیم که بعد از کشور امریکا، بزرگترین و خاموش‌ترین و قدرت‌مندترین و زرنگ‌ترین کشور (حد اقل در عرصه موریانه‌ای) همانا کشور انگلستان می‌باشد؟

آیا ما باید به این باور نباشیم که کشور انگلستان در منطقه ما از سابقۀ نفوذ دو صد ساله برخوردار می‌باشد خصوصاً اینکه کشور پاکستان در بست در خدمت حرکات موریانه وار انگلستان قرار دارد؟

آیا ما به این باور نباشیم که اگر رضائیت کشور انگلستان نباشد هیچ قدرت ولو امریکا قادر نخواهد بود که بر کشور پاکستان فشار چند جانبه وارد کند؟

آیا ما به این باور نباشیم که با توجه به خارج شدن انگلستان از اتحادیۀ اروپا، سایر اعضای این اتحادیه مشوش و نگران انتخاب راه مستقلانه و اتخاذ تدابیر یک جانبه در حوزه یا حوزه های نفوذ انگلستان و محروم ساختن سایر اعضا از سهم منافع احتمالی ستراتیژیک نیستند؟

آیا ما بر این باور نباشیم که اظهارات ریچارد چارنسکی ناشی از یک یأس و نگرانی اچار گونه می‌باشد؟ این نکته بسیار قابل تأمل و تعمق می‌باشد که از پانزده سال به اینطرف همین پاکستان است و همین طالب و همین تراژیدی‌ها و همین خط‌نفرت‌ها و نفرت‌انگیز و فتنه‌انگیز دیوریند، چرا تا به امروز اتحادیۀ اروپا و معاونش درین مورد ساکت بودند که امروز شروع نموده به چرندیات، آیا آتش فشان‌های دلسوزی‌شان به خاطر مردم مظلوم ما توران نموده یا هدف‌شان از این موضع‌گیری‌های سیاست‌آلود یک امر دیگر می‌باشد؟

آیا ما بر این باور نباشیم که یگانه‌توربین‌قوة محرکه اراده حل مشکل دیورند نه در تونل بروکسل نه در تونل لندن نه در تونل کابل و نه در تونل پنجاب قرار دارد بلکه فقط و فقط در قلب پیشاور و بلوچستان قرار دارد، اگر آنها اراده کنند می‌توانند کالبد مومیائی شده و معبودگونه دیورند را در سواحل کراچی به امواج کوبنده بحر هند بسپارند در غیر آن باید بر این باور باشیم که فقط و فقط یکصد سال مصروف و سر کار گذاشته شده ایم و یک صد سال دیگر مصروف نگه خواهیم شد.

ملا نصرالدین در اطاق زیر زمین سوزن خود را گم کرد ولی وی در حویلی خانه دنبالش می‌گشت، زنش علت این حماقت را پرسید، وی گفت چون در زیر زمین تاریک است.

اسم: سید حیدالله روغ محل سکونت: المان تاریخ: 21.05.2017
"مسأله" دیورند یک «دیو» رانده می‌شود
بحثی در «سرحدات (!)» افغانستان
بخش اول

میان خون جگر، غرق می‌شویم به مرگ
نه پا، نه دست، نه سر، غرق می‌شویم به مرگ
سرشت هر که ز ما مردم است، در خون است
اگر هزاره و تاجک و ترک و پشتون است

«مسأله» خط دیورند، در این اواخر به موضوع غالب محاوره سیاسی در میان افغانان میدل گردانیده شده است. چنان که همیشه، افغانان در داخل و خارج کشور، نه در مقابل مشکلی که دارند، بل فوراً در مقابل یک دیگر صف بندی کردند، و فوراً سیاست، به شیوه ای که ما را با آن عادت داده اند، چالان شد: دشنام ها و بعد از دشنام ها باز هم دشنام ها! و بعد؟ بعد هیچ!

آن چه حقیقتاً حیرت آور است این که همین ما که اصلاً عادت نداریم از اثر «تخصیص»، به حضيض تخصص نزول کنیم، همین ما، چند درجن «متخصص دیورند شناسی» پیدا کرده ایم؛ و این متخصصین از فضاشناسی تا امضاشناسی مسافرت میکنند؛ و چیزهایی را نشانی میکنند که در پیشانی دیورند هم درج نه بود؛ و اما همین متخصصین، یکی هم مثلاً این سوال را مطرح نمی کنند که چرا این جنجال شریف و یا کثیف دیورند، همین اکنون، این چنین داغ ساخته شده است؟ چرا؟

پاسخ ساده اینست که جهان، خاصاً در طی چند ماه، چنان دگرگون شده است که به هیچ سوالی، دیگر یک پاسخ ساده در دست نیست. سی سال می شود که همه بدیهیات و مسلمات قبلی، به شمول گلوبالیزم (و نیولیبرالیزم) که ما با آن ها تحت نام «فکر سیاسی» معتاد ساخته شده بودیم، بدست همان هایی که آن ها را نوشته و کاشته بودند، در محک، و در محاق یک «تردید» بی سابقه رانده شدند. این حرکات که اشکال مختلف بخود گرفتند، بهرحال بیان آن بودند که "مار پوست می اندازد"؛

تونی بلیر در آستان هزاره نو باری گفت :....

لینک مرتبط...

اسم: دکتر رووف روشان محل سکونت: ایالات متحده امریکا تاریخ: 21.05.2017
بهترین فرصت برای حل دیپلماتیک معضله خط دیورند

جریده بلجیوم سن در نشریه تاریخی سیزدهم ماه می 2017 خود به ارتباط اوضاع متشنج به خاطر معضله دهشت افگنی در مناطق سرحدی میان افغانستان و پاکستان نوشته معاون رئیس اتحادیه اروپا "ریشارد چارنسکی" (Richard Deguettes) را منتشر ساخته است. این مقاله اولین نگاه عالمانه و بیطرفانه ای است که از طرف مقام مسؤل اروپایی بر اوضاع مربوط به خط نام نهاد دیورند انداخته شده است. معاون رئیس اتحادیه اروپا مقاله خود را ضرورت مبرم به نگاه واقع بینانه از طرف اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا بر خط دیورند خوانده است و شرح آتی را به قلم کشیده است:
اینکه منطقه بین افغانستان و پاکستان منبع همه ناقراری ها و نا بسامانی های روابط این دو کشور و انعکاس این نا آرامی ها در اوضاع منطقه است. این نا آرامی ها باعث شده است جنگ طولانی و پر مصرفی درین ناحیه بدون رسیدن به کدام نتیجه ای دوام نماید و باعث...

لینک مرتبط...